

انتقام بزدلانه بقایای «فرقان» از آیت‌ا... خامنه‌ای

گفت‌وگوی اختصاصی خراسان با حمیدرضا نقاشیان، سر تیم محافظان امام(ره) و عامل دستگیری اکبر گودرزی، سر کرده گروهک «فرقان» درباره پشت پرده ترور ۶ تیر ۱۳۶۰

طی یک سال پس از انقلاب، گروهک تروریستی «فرقان» شخصیت‌هایی مانند استاد مرتضی مطهری، آیت‌ا... قاضی طباطبایی، حاج مهدی عراقی، دکتر محمد مفتاح، سپهبد قرنی و... را به شهادت رساند

جریان جبهه و جنگ و فرایند دفاع، نقش‌ویژه‌ای را ایفا می‌کردند. این نقش خیلی بر جسته بودو باعث شد که فرقانی‌ها روی ایشان متمرکز شوند. البته حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای از مدت‌ها قبل در لیست ترور فرقانی‌ها قرار داشتند؛ از همان ابتدای فعالیت این گروهک. یادم هست ما لیستی را به دست آوردیم که نشان می‌داد بیشتر افراد مورد اعتماد امام(ره) اهداف بالقوه اقدامات تروریستی هستند و به این بزرگواران هم اطلاع دادیم؛ منتها عرض کردم که حفاظت خیلی قوی نبودو آن‌ها هم مایل بودند کنار مردم باشندو مانی‌برای رابطه مستقیم وجودنداشته باشد.

در بین عوامل ترور ششم تیر ماه،

نام محمد متحدی‌ظاهر ابرجسته‌تر است؛ او را به دلیل ارتکاب جناياتش در حق مردم، بعد‌ها اعدام کردند. درباره ویژگی‌های متحدی‌ونقش وی در ترورها صحبت کنید.

محمد متحدی‌از آن آدم‌هایی بود که سرپسودایی داشت؛ فردی داغ و تندرو، با جثه‌ای ورزشکاری که رفتارش روی دیگر اعضای گروهک فرقان اثر می‌گذاشت. آدم بسیار باهوشی بود. یک‌بار او را دستگیر کردیم؛ من خودم متحدی‌را دستگیر کردم. یادم هست بعد از کلی تلاش، او را در میدان آزادی بازداشت کردیم؛ اما متأسفانه فرار کرد. متحدی روی دیگر اعضا، نفوذ کلام داشت؛ روی حرفش حرف‌نمی‌زدند؛ راحت می‌توانست آن‌ها را درباره طرح‌ونقشه‌هایی که داشت، متقاعد کند. او خیلی دوست داشت همان نقشی‌را در گروهک فرقان داشته باشد که ر ضار ضایی در گروهک منافقین داشت. متحدی‌مورد اعتماد کادر مرکزی بود؛ عباس‌عسکری و علی‌حاتمی در بازجویی‌هایشان او را به عنوان یار غار و فرد مورد اعتماد خود معرفی می‌کردند. متحدی‌به همین دلیل، مسئول شاخه نظامی‌شدو البته، در جریان واقعه‌تروریستی ششم تیرماه ۱۳۶۰ هم نقش داشت.

فضایی که اقدام تروریستی ششم تیر در آن شکل گرفت، همان‌طور که اشاره کردید، فضای بسیار پراشتاب بود؛ منافقین وارد فاز مسلحانه‌شده‌بودند و کشور در شرف انقلاب قرار داشت. آیا به‌عنوان یک دلیل، می‌توانیم بگوییم که بقایای گروهک فرقان یا همان «پسافر Quincy ها»، تحت تأثیر اقدامات تروریستی منافقین و برای عرض‌اندام در فضای سیاسی آن‌زمان، دست‌به‌این اقدام تروریستی زدند؟

اگر بخواهیم ذهنیت این‌ها را تحلیل کنیم، شاید بشود این مسئله را به‌عنوان یکی از عوامل این واقعه، در نظر بگیریم؛ این که فرقانی‌ها پیش‌خودشان بگویند حالا که گروهک‌هایی مثل منافقین فعال هستند، چرا امناباشیم؟! اما اگر منظور این فرض، بیان موضوع ارتباط سازمانی میان دو جریان باشد، من سندی در این باره ندارم.

آیا گروهک تروریستی فرقان با سفارتخانه‌های خارجی در تهران ارتباط داشت؟ مثلاً آیا آمریکایی‌ها تپیش از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با گروهک فرقان ارتباطی داشتند یا انگلیسی‌ها به‌دنبال این رابطه بودندو به جایی هم رسیدند؟

جریان نفوذ در میان احزاب و گروه‌های سیاسی وجود داشت و البته آمریکا و انگلیس هم به‌دنبال نفوذ در میان فرقانی‌ها بودند؛ اما این اقدام‌ظاهرا به جایی نرسید. تا جایی که من می‌دانم، سفارت آمریکا، فردی به نام محمدملکی را برای کسب اطلاع از فعالیت فرقانی‌ها فرستادو حتی به‌دنبال حمایت مالی از این‌ها بودند، ولی به دلیل شرایطی که پیش آمد، نتوانستند. برخی از نفوذی‌های انگلیس هم به‌دنبال همین مسئله بودند، اما در آن زمان، ما فرقانی‌ها را بازداشت کرده‌بودیم و عملاً کاری از پیش نبردند. بنابراین، به‌اعتقاد من، اعمال وجنایات آن‌ها، منحصراً ناشی از انحرافات ذهنی و فکری فرقانی‌ها بود؛ هر چند که با این رویکرد، آب‌را به آسیاب موردنظر غربی‌هامی‌ریختند.



۶ تیر ۱۳۶۰؛ مسجد ابوذر تهران – ساعتی پیش از سخنرانی رهبر انقلاب و واقعه سوء قصد به جان ایشان



تیر ماه ۱۳۶۰؛ بیمارستان بهار لور – حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای چند روز بعد از واقعه ترور

و گفت‌وگوبا فرقانی‌ها تا یک‌بیشتری داشته‌باشیم. جلساتتی در زندان با آن‌ها برگزار شد و از افرادی مانند آقای معادیخواه، آقای ناطق‌نوری و... دعوت کردیم که در این گفت‌وگوها شرکت کنند. جلسات اثرات بسیار خوبی داشت؛ خیلی از فرقانی‌ها از دیدگاه‌های قبلی خود برگشتند و توبه کردند و همین‌توبه، خودش در کار بازجویی به کمک ما آمد و باعث شد فرقانی‌ها به پرسش‌های ما، پاسخ‌های دقیق و کامل بدهند؛ در حالی که در ابتدای کار، شاید به این‌صورت نبود. نمونه‌بره این بازجویی‌ها در مرکز اسناد انقلاب اسلامی هست و صحت این مدعا را تأیید می‌کند.

می‌رسیم به دورانی بعد از بازداشت و انهدام سازمان اصلی گروهک فرقان؛ زمانی که بقایای این گروهک به‌دنبال فعالیت نظامی افتادند. چطور شد که برخی از فرقانی‌ها بازداشت‌نشدند یا توانستند از زندان بیرون بیایند و اقدامات تروریستی را دنبال کنند؟

بیشترین تعداد اقدامات تروریستی را دنبال‌کننده بخش اعظم فرقانی‌ها دستگیر شدند؛ البته بودند افرادی مانند «مسعود واحد» که برادرش، «سعید واحد» را دستگیر کردیم، اما در زمان بازداشت، او در خانه حضور نداشت و دستگیر نشد یا مثلاً فردی مانند تقی‌زاده که بعد‌ها در جریان اقدام تروریستی ششم تیر ماه در مسجد ابوذر نقش ایفا کرد، خیلی عضو گروه هم نبود و بیشتر به فرقان گرایش ذهنی داشت. به هر نحو، بخش کوچکی از این‌ها بیرون ماندند و در شرایط پراشتاب سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰، هنگامی که اوضاع کشور به واسطه آغاز جنگ تحمیلی از یک سو و اقدامات بنی‌صدر و منافقین از سوی دیگر و همین‌طور فعالیت لیبرال‌ها، مناسب نبود، دوباره فعالیت را آغاز کردند. البته شاید بشود گفت که از همان سال ۱۳۵۹ در ذهن افرادی مانند مسعودواحدیا تقی‌زاده، چنین ایده‌ای وجود داشت. نکته‌ای که باید عرض کنم، این است که ما از امام(ره) برای بازداشت همه فرقانی‌ها حکم داشتیم، اما در آن شرایط، اگر می‌خواستیم هم‌روی شاخه‌نظامی تمرکز کنیم و هم‌روی شاخه انتشاراتی که در جاهای مختلف فعال بود، باید وارد دانشگاه‌ها و دیگر مکان‌ها می‌شدیم که صورت خوشی نداشت و البته به جایی هم نمی‌رسیدیم. من موضوع را خدمت امام(ره) عرض کردم و ایشان تأکید کردند که به‌سراغ شاخه‌نظامی برویم و فقط روی آن تمرکز کنیم؛ چون این‌ها دست‌به‌فعالیت تروریستی می‌زدند. طبیعی بود که امثال تقی‌زاده و مسعود واحد، که در آن‌زمان جزو شاخه‌نظامی هم نبودند، از این حلقه بیرون بمانند. این‌ها بعداً در یک‌خانه محقر تیمی در جنوب‌شهر تهران، در خیابان خیام‌مستقر شدند و اگر اشتباه نکنم، دو اعلامیه صادر کردند و نام گروه‌شان را هم گذاشتند «هروان فرقان».

انتشار این اعلامیه، زنگ خطری گروهک فرقان چه بود؟ یا توجه‌به این کهظاهراً یکی از اعضای این گروهک به‌محافل و جلسات آن مرحوم هم رفت و آمد داشت.

شهید بهشتی باور نمی‌کرد. من از قبل اطلاع داشتم که برخی از فرقانی‌ها مانند «حمید نیکنام»، حتی به منزل شهید بهشتی رفت و آمد دارند و اعتماد ایشان را جلب کرده‌اند. مرحوم بهشتی باور نمی‌کرد که این افراد، با ظاهر موجهی که دارند، وابسته به چنین جریان خطرناک و منحرفی باشند. در نهایت، به بحث بازداشت این گروهک ورود کردیم و همه عناصر شناخته‌شده‌ان‌ها را گرفتیم.

شما شخصاً کار بازجویی از اکبر گودرزی و تعدادی از سرکردگان گروهک او را برعهده داشتید؛ درباره این بازجویی‌ها بگویید.

کار بازجویی از اعضای فرقان، با رویکرد جذب و هدایت اعضای عادی آن‌ها دنبال می‌شد. بیشتر این‌ها فرب‌پز خودده بودند. تصمیم گرفتیم روی بحث و گفت‌وگوارا فراهم کنیم؟ قبول کرد و رفتیم سراغ فرقانی‌ها؛ یادم هست موضوع را با «سیاه چشم» که مسئول اداره جلسات آن‌ها بود، در میان گذاشتم؛ به شدت مخالفت کردندو گفتند هرگز با استاد مطهری دیدار نخواهند کرد. جریان را به مرحوم ایروانی اطلاع دادم و او پیشنهاد کرد که خودم بروم و درباره دیدگاه‌های فرقان با شهید مطهری صحبت کنم؛ به دیدار ایشان رفتم و قرار شد که از آن‌ها بعد، مکتوبات فرقانی‌ها را به دست استاد برسانم. همان‌جا بود که به انحرافات گسترده و آلودگی تفکرات این‌ها با دیدگاه‌های ماتریالیستی، دقیق‌تر آشنا شدم و تصمیم گرفتم به‌تدریج از فرقانی‌ها فاصله بگیرم و به‌تدریج، دیگر به جلسات آن‌ها هم نرفتم.

شما شخصاً کار بازجویی از اکبر گودرزی و تعدادی از سرکردگان گروهک او را برعهده داشتید؛ درباره این بازجویی‌ها بگویید.

کار بازجویی از اعضای فرقان، با رویکرد جذب و

هدایت اعضای عادی آن‌ها دنبال می‌شد. بیشتر این‌ها فارب‌پز خودده بودند. تصمیم گرفتیم روی بحث

شده بود، منفجر کردند؛ اما خوشبختانه، به هدف خود یعنی به شهادت رساندن حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، نرسیدند. جالب این‌جاست که به دلیل نزدیکی زمان این ترور با واقعه هفتم تیرماه ۱۳۶۰ و شهادت شهید بهشتی، برخی گمان می‌کنند که واقعه تروریستی ششم تیر، توسط عوامل سازمان منافقین انجام شده‌است؛ در حالی که چنین نبود. رهبر معظم انقلاب، طی یک سخنرانی در ۱۱ فروردین ۱۳۵۹، به این موضوع اشاره کرده‌اند: «اگر عمری بود و اگر گروه‌هایی از قبیل فرقان اجازه و فرصت دادند، ان‌شاءا... در آینده به کار حزب [جمهوری اسلامی] خواهیم پرداخت؛ حزب‌جان می‌گیرد، تبلیغاتش را شروع می‌کند، جزوه‌های لازم، کتاب‌های لازم، تبلیغات لازم، تشکیلات لازم را به راه خواهد انداخت؛ ان‌شاءا... درست می‌شود.» در سالگرد آن واقعه تروریستی به‌سراغ آقای حمیدرضا نقاشیان رفتیم؛ سر تیم محافظان حضرت امام(ره) از بهمن ۱۳۵۷ تا اردیبهشت ۱۳۵۸ و کسی که توانست با کمک دوستانش، عوامل گروهک تروریستی فرقان را بازداشت کند. نقاشیان بازجویی از افرادی مانند اکبر گودرزی را شخصاً برعهده داشته‌است.

او به دلیل آشنایی با فرقانی‌ها، از قبل انقلاب، در جریان تفکرات این گروهک قرار داشت و شاید یکی از بهترین افرادی باشد که بتواند در این زمینه اظهار نظر کند. در این گفت‌وگوی تفصیلی، آقای نقاشیان اولاً به پیشینه تاریخی و اعتقادی فرقانی‌ها و ثانیاً، به زمینه‌های اقدام تروریستی آن‌ها در ششم تیرماه ۱۳۶۰ می‌پردازد.

شما شخصاً کار بازجویی از اکبر گودرزی و تعدادی از سرکردگان گروهک او را برعهده داشتید؛ درباره این بازجویی‌ها بگویید.

فعالیت‌های رُوی دارند، فرقانی‌ها می‌توانند دست به سرقت از بانک بزنند. به همین دلیل، بچه‌های فرقان در گروه‌های سه، چهار نفره، دست‌به‌سرقت‌های مسلحانه می‌زدند. نفس این اقدام‌نشان می‌دهد که گروهک فرقان، از همان ابتدای کار، دچار انحرافات گسترده بودو به سمت خطرناکی حرکت می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب، هسته مرکزی فرماندهی فرقان با حضور اکبر گودرزی، عباس‌عسکری و علی‌حاتمی شکل گرفت؛ در واقع این‌ها هدایت‌ذهنی فرقانی‌ها را برعهده داشتند.

مبنای این هدایت فکری چه بود؟

این‌ها آمده بودند و از تفکر شرعیتی، بحث مبارزه با زور و زور و ترور را گرفته بودند و تصمیم داشتند این رویکرد، دوار دیک فاز به اصطلاح انقلابی شوند. البته این‌ها از بحث شرعیتی، تفسیر غلط خودشان را داشتند. با این تصمیم بود که فرقان به‌فاز مسلحانه وارد شد.

جلسات مربوط به فاز مسلحانه، بعد از پیروزی انقلاب بر گزار می‌شد؟

بله؛ اصولاً فرقانی‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد فاز مسلحانه شدند، با همان رویکرد ذهنی خودشان مبنی بر مبارزه با زور و ترور؛ مثلاً با این بهانه که شهید قرنی در ارتش، نماد زور است، اولین ترور را انجام دادند و بعد از آن، شهید مطهری را با این توجیه که نماد ترور است؛ زدند و بعد هم، به سراغ مرحوم حاج‌تقی طرخانی رفتند و او را به عنوان نماد زر، هدف ترور قرار دادند. البته در این اقدامات، بُض‌هایی که از امثال شهید مطهری در دل داشتند، بسیار تأثیر گذار بود.

برویم به سراغ آشنایی شما با گروه فرقان و نقشی که در بازداشت سرکردگان این گروهک و پیوزه گودرزی داشتید.

من در جاهای دیگری هم به این موضوع اشاره کرده‌ام که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، همراه با چند نفر از دوستان، با گروهک فرقان مرتبط بودم و در جلسات آن‌ها شرکت می‌کردم. به‌تدریج، وقتی که بحث‌نشریات این‌ها قوت گرفت، علاقه بسیاری به مطالعه اعلامیه‌ها و جزوات فرقان داشتم؛ خوب، اشاره کردم که فضا، فضای خاصی بود و حرف‌های این‌ها هم طرفدارانی داشت. تا این که من کتاب «توحید» حبیب‌ا... اشوری را از فرقانی‌ها خریدم و تصمیم گرفتم مطالعه کنم. بعد از مطالعه، به‌نظم آمد که یک‌سری اشکالات ذهنی و شاید نقص‌هایی دارد که لازم است درباره آن تحقیق کنم. منزل ما، روبه‌روی منزل مرحوم حجت‌الاسلام ایروانی بود؛ کتاب را بردم به ایشان دادم و آن مرحوم هم بعد از مطالعه، تصدیق کرد که ایراداتی دارد و تصمیم گرفت آن‌را به شهید مطهری بدهد. ظاهراً شهید مطهری بعد از مطالعه کتاب، به مرحوم ایروانی گفته بود می‌خواهد با فرقانی‌ها صحبت کند. آن مرحوم هم آمدو به من گفت که آیا می‌توانم زمینه این دیدار

جواد نوآیان رودسری – پیروزی انقلاب اسلامی هر چند سرآغاز تحولی عظیم در تاریخ ایران است، اما باید آن را شروع حوادثی پرشتاب و پرتعداد بدانیم که هر کدام از آن‌ها به‌مثابه پیچی تند در تاریخ یک کشور محسوب می‌شود. هنوز چندماه از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که محلات تروریستی به شخصیت‌های برجسته انقلاب، جامعه را شوکه کرد؛ سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ سپهبد ولی‌ا... قرنی، ۱۲ اردیبهشت استاد مطهری، ۱۷ تیر حاج‌تقی طرخانی، چهارم شهریور حاج‌مهدی عراقی، ۱۰ آبان آیت‌ا... قاضی طباطبایی و ۲۷ آذر دکتر محمد مفتاح، در عملیات تروریستی به‌شهادت رسیدند. فرودان این عملیات‌های بیایی برپیکر انقلاب نوپای اسلامی، فراتر از تحمل بود و اگر مدیریت و شهامت کم‌نظیر حضرت امام(ره) وجود نداشت، ای بسا آسیب‌های غیر قابل جبرانی به انقلاب اسلامی مردم ایران وارد می‌آمد. سرانجام فرزندان امام(ره)، عوامل ترورها را به پنجه پولادین عدالت سپردند؛ گروهک «فرقان»، گروهکی برخاسته از انحرافات فکری و ارتجاعی، عامل این جنایات بزدلانه بود. با این حال، بقایای این فرقه منحرف، حدود

یک‌سال بعد از دستگیری ومجازات سر کردگانشان، دوباره فعال شدند و این بار هم به‌دنبال ترور عزیزان انقلاب و امام(ره) بودند.

روز ششم تیر ماه سال ۱۳۶۰، بقایای این گروهک التقاتلی، هنگام سخنرانی رهبر معظم انقلاب در مسجد ابوذر تهران، بمبی را که درون یک ضبط صوت جاسازی

به نظر می‌رسد برای شروع بحث، باید درباره گروهک فرقان و سابقه تاریخی آن صحبتی داشته‌باشیم. با توجه به نقش شما در بازداشت سران این گروهک و احاطه‌ای که بر پرونده آن‌ها داشته‌اید، مختصری درباره تار و پنبه و پیشینه فکری و تشکیلاتی آن صحبت کنید.

گروهک فرقان اواخر سال ۱۳۵۴ به‌وجود آمد؛ یعنی زمانی که اکبر گودرزی، بنیان‌گذار و سرکرده این گروهک، به‌دلیل انحرافات فکری از حوزه‌های علمیه طرد شده بودو به گمان خودش، می‌خواست مجموعه‌ای انقلابی را راه‌ببندازد. گودرزی کارش را با دوسه نفر شروع کرد و بعد‌ها این گروه کوچک، توانست عضوگیری کندو به تشکیلی با حدود ۱۷۰ تا ۱۸۰ عضو تبدیل شود. اگر بخواهیم به‌مشی فکری گروهک فرقان نظری داشته‌باشیم، باید بگوییم که تفکرات گروهک فرقان، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حول و حوش تفکر خود اکبر گودرزی و شاید بخشی از تفکرات انحرافی حبیب‌ا... اشوری و کتاب «توحید» او شکل گرفت. این‌ها معتقد بودند

که در حال ترویج نوعی دیدگاه به اصطلاح انقلابی هستند؛ اگر آثار فرقانی‌ها را مرور کنید، می‌بینید که ترویج این نوع دیدگاه در همه مکتوبات آن‌ها دیده می‌شود. به قول برخی از بزرگان، این‌ها از هر آیه قرآن، یک‌تفتنگ بیرون می‌آوردند. شاید این رویکرد، الآن عجیب به نظر بیاید، اما در آن زمان و شرایط پراشتاب سال‌های قبل از انقلاب، چنین تفکری جذابیت زیادی برای جوانان که در عطش مبارزه با رژیم پهلوی می‌سوختند، داشت و باعث گرایش برخی از آن‌ها به گروهک فرقان شد. فرقانی‌ها بیشتر در منطقه غرب تهران، در مساجد منطقه سلسبیل و اطراف آن فعالیت می‌کردند؛ جلسه می‌گذاشتند و البته به‌دلیلی که عرض کردم، از این جلسات استقبال هم می‌شد؛ همین استقبال بود که در نهایت فرقانی‌ها را به این نتیجه رساند که باید مباحث مطرح‌شده در این جلسات را ضبط و بعدیاده و به‌صورت کتاب منتشر کنند. به این ترتیب، تدریجاً حجم بالای از این مکتوبات، در حدود ۴۵۰ جلد تولید شد و برای این که از جهت انتشار و محذوریت‌هایی که در این زمینه وجود داشت، به‌مشکل برخوردند، واحد مخفی انتشارات را هم تشکیل دادند. بعد از پیروزی انقلاب که شرایط برای فعالیت‌های گروهک فرقان بیشتر فراهم شد، ماشین چاپ خریدند و کارهای خودشان را توسعه دادند.

این کار نیاز به پشتوانه مالی بالایی دارد. پول فعالیت‌های انتشاراتی را از کجا تهیه می‌کردند؟

برای تأمین پول راه‌های مختلفی داشتند، اما از این که برای به‌دست‌آوردن آن به سراغ بانک‌ها بروند و دست‌به‌سرقت مسلحانه بزنند، ابایی نداشتند. این نظر گودرزی بود؛ او اعتقاد داشت که چون بانک‌ها